

بررسی الگوی برنامه‌ریزی کاربری فضاهای شهری مؤثر بر افزایش امنیت زنان (نمونه موردی : بخش مرکزی شهر تهران)

* مهندس الهام ضابطیان

** دکتر محمدرضا بمانیان

*** دکتر مجتبی رفیعیان

تاریخ دریافت: ۸۸/۸/۱۳

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱/۱۶

چکیده

امنیت حقیقی بنیادین و پیش نیاز ارتقاء رفاه و سلامت مردم است، در فرایند ادراک امنیت، جنسیت به عنوان مهم ترین عامل شخصیتی محسوب می‌شود. امنیت یک فضا به کاربری‌های محاط کننده آن هم بستگی دارد. در این مطالعه پس از بررسی مبانی نظری، با توجه به جدید بودن موضوع،

* کارشناس ارشد شهرسازی - دانشگاه تربیت مدرس

** دانشیار معماری دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس

*** دانشیار شهرسازی دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس

نمونه تجارب جهانی بررسی شده و در نهایت علاوه بر تعیین متغیرهای برنامه ریزی کاربری، شاخص‌های لازم استخراج شده است که شامل خوانایی فضا، دسترسی داشتن به امداد، نظارت بر فضا، میزان آشنایی فضا و تامین امنیت شبانه شهری می‌باشد. سپس مطابق رویکرد مشارکتی پرسشنامه‌هایی با طیف لیکرت تنظیم شد. جهت برآورد حجم جامعه آماری، پس از آزمون اولیه^۱، حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران معادل با ۳۰۰ عدد در نظر گرفته شده است. محدوده مطالعه میدانی بخشی از مرکز شهر تهران واقع در جنوب خیابان امام خمینی است. سپس داده‌های خام دسته‌بندی شده و با استفاده از نرم افزارهای *Excel* و *SPSS* تحلیل شده‌اند. برای سنجش میانگین احساس امنیت زنان، ابتدا کاربری‌های همگن در قالب نقشه‌ای پهنه‌بندی شد. در نهایت با استفاده از آزمون *T-test* میانگین احساس امنیت در مواجهه با کاربری‌های مختلف مقایسه گردیدند. برای سنجش فرضیه اصلی تحقیق: "به نظر می‌رسد بین میزان تنوع کاربری‌ها و فعالیت‌های شهری در فضای عمومی محدوده مطالعاتی، با افزایش میزان امنیت زنان رابطه‌ای مستقیم وجود دارد"، از آزمون *chi* دو، روش همبستگی گاما و آزمون بتا استفاده شده و نتایج حاکی از اثبات فرضیه مذکور بوده و آزمون بتا نشان دهنده اثرگذاری بیشتر تنوع فعالیت‌ها، نسبت به کاربری‌ها است. سپس شاخص‌های مؤثر در برنامه ریزی کالبدی و احساس امنیت زنان در فضای مورد مطالعه در قالب سوالات جداگانه‌ای و با استفاده از آزمون *T* سنجیده شدند و حیات شبانه فضای مورد مطالعه بررسی و جمع بندی و پیشنهادات لازم ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: امنیت، زنان، کاربری، فعالیت، فضای شهری.

مقدمه

اگر فضاهای موجود را به دو دسته فضاهای زیر سقفی و در هوای آزاد تقسیم کنیم، فضاهای داخلی و به اصطلاح زیر سقفی‌ها، باید ویژگی‌هایی نظیر لزوم حفظ خلوت و انزوا را داشته باشند، و بر عکس فضاهای خارجی یا در هوای آزاد، محلی برای تعاملات^۲ اجتماعی، در معرض عموم قرار گرفتن و فضاهایی قابل تجربه و بطور مساوی برای همه در جهت زندگی سالم باشند و البته همان طور که یک خانه و همه فضاهای داخلی

۱. Pre test

۲. Interaction

آن پناهگاه امنی برای خانواده و مهمان‌ها فراهم می‌کند، شهر و فضاهای آن هم باید ایمنی^۱ و امنیت را بطور مشابه برای همه ساکنان و ناظران فراهم کند (Mtani, Lubuva, P.۲۳: ۲۰۰۴) برخی از فضای امن به "فضای قابل دفاع"^۲ یاد می‌کنند که در واقع فضاهایی هستند که اشخاص بیشتر در آن فعالیت می‌کنند و احساس امنیت بیشتری از آن درک می‌شود و کمتر به فعالیت‌های مجرمانه اجازه وقوع داده می‌شود. (www.dacorum.gov.uk, ۲۰۰۴)

عده‌ای از صاحب نظران شهرسازی اعتقاد دارند رویکردهای مسلط و قوانین شهری باعث ایجاد تبعیض‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سنی و جنسی میان شهروندان می‌شود. برای مثال قوانین و مقررات منطقه‌بندی و کاربری زمین، شهر را به مناطق مختلف تجاری، مسکونی و غیره تقسیم می‌کند و بر اساس چنین تقسیم‌بندی‌هایی مردان بخش غالب فضاهای عمومی و فعال شهر را در اختیار می‌گیرند و نواحی خصوصی‌تر، از آن زنان می‌شود. (پاپلی یزدی، ۱۳۸۲: ۵۲).

ضرورت و اهمیت بررسی این موضوع هنگامی آشکارتر می‌شود که امکان تحرک می‌تواند شاخص تبعیض اجتماعی باشد و کسانی که محدودیت جابجایی دارند از مشارکت فعال باز می‌مانند و نبود امنیت برای زنان، چه واقعی و چه بالقوه سبب می‌شود که زنان نتوانند شهروند تمام عیار به شمار بیایند و به راحتی در زندگی عمومی مشارکت داشته باشند. (زنجان‌ی زاده اعزازی، ۱۳۸۱: ۳۸) به علاوه برنامه ریزی برای یک فضای شهری بدون توجه به امنیت آن، افزایش هزینه‌هایی چون روزآمد ساختن یا بهنگام کردن آن با استفاده از تجهیزات ایمنی و افزودن بر تعداد کارکنان امنیتی را در پی خواهند داشت (اعتماد، ۱۳۸۷: ۲۸۷). لذا در این تحقیق سعی شده است تا با بررسی تأثیر هر یک از کاربری‌ها شهری، بر احساس امنیت زنان و همچنین تأکید بر اهمیت سیاست استفاده از کاربری‌ها و فعالیت‌هایی متنوع در برنامه ریزی کالبدی، پیشنهادهاتی جهت بهبود الگوی برنامه‌ریزی شهری ارائه شود.

لازم به ذکر است که از نظر پیشینه تحقیق، با توجه به جدید بودن موضوع امنیت شهری زنان منابع تحقیقاتی موجود بسیار محدود بوده و می‌توان گفت تا کنون در زمینه بررسی تاثیر کاربری‌های شهری بر امنیت زنان، پژوهش مستقلی انجام نگرفته است و یافته‌های در دسترس، در حد اشاراتی در پژوهش‌های دیگر که عمدتاً مربوط به سایر نقاط جهان است، می‌باشد. از این منظر پژوهش حاضر به عنوان مدخلی برای بررسی‌های بیشتر قابل نقد و بررسی خواهد بود.

مبانی نظری

- امنیت شهری

از جنبه اجتماعی می‌توان شهر را به عنوان چارچوب خاصی در راستای خلق فرصت‌های متمایز برای زندگی مشترک معنا کرد. به واسطه آشکال غیر مستقیم پیوند، معاشرت و تعاملات، شخصیت شهروندان کثیرالوجه می‌گردد. همچنین گروه‌ها دارای تاثیر مستقیم بر طرح شهر می‌باشند و این یکی از معضلات بر سر پیوندهای اجتماعی است. (مامفورد، ۱۳۸۵: ۶۲۳)

پژوهشگران در چارچوب واقع بینانه‌ای امنیت را در واژه‌های سیاسی و انتظامی تعریف کرده‌اند و بطور کلی بیشتر، آن را به معنی حمایت از ارزش‌ها و مقابله با خطرها و دشمن می‌دانند. (Brownlow, ۲۰۰۴: p. ۵۸۶). امنیت را می‌توان حقی بنیادین و پیش نیازی برای ابقا و ارتقای رفاه و سلامت مردم دانست. بر اساس تئوری نیازها در هرم مازلو^۱ (۱۹۶۸)، امنیت یکی از نیازهای ضروری و پایه‌ای برای تعالی انسان تلقی می‌شود، درست شبیه نیازهای فیزیولوژیک انسان که برای تداوم حیات ضرورت دارند. در مجموع ارتقاء این مولفه بر سلامت و سعادت انسان‌ها و در نتیجه جامعه تأثیر مستقیمی می‌گذارد (گزارش سازمان بهداشت جهانی، ۱۹۹۸: ۲۷۱).

جین جیکوبز^۱، نظریه پرداز بزرگ شهری (۱۹۶۱)، در تبیین امنیت شهری به تعامل فضای فیزیکی و فرآیندهای اجتماعی که محیط را می‌سازند توجه نموده و بر فعال بودن فضا به عنوان عاملی در ایجاد یک محیط امن و موفق تأکید می‌کند. وی ایجاد حرکت، استفاده‌های فعال از سطح خیابان و فعالیت‌های خیابانی و مراقبت‌های طبیعی از این فعالیت‌ها را به عنوان مولفه‌هایی در جهت ساختن یک محیط خوب شهری قلمداد می‌کند. اسکار نیومن^۲ (۱۹۷۲) نیز در باب فضاهای قابل دفاع عنوان می‌کند که مردم و طرح‌ها در یک "شهر خشونت آمیز"^۳، از رویکردهای مشابه در رفتارهای اجتماعی و در جهت توسعه یک محیط امن، پیروی می‌کنند. اخیراً گروه بیل هیلیر^۴ با استفاده از نرم افزار اسپیس سیتکس^۵ در بعد کالبدی، تجمیع خیابان‌ها و لایه‌های آن را به عنوان مولفه‌های کلیدی در ایجاد یک محیط امن شهری معرفی کرده‌اند. از نظر این گروه بهترین محیط‌های شهری، آن‌هایی هستند که بخوبی با الگوی شهر، یکپارچه شده‌اند و امنیت عمومی را ترویج می‌کنند. (Boyle, ۲۰۰۲: p. ۵۶۶)

– جایگاه جنسیت در مولفه‌های شخصیتی مؤثر در احساس امنیت

مشخصه‌های فردی در ادراک از امنیت و میزان استفاده فرد از یک فضای شهری تأثیر دارند، مثل موقعیت اجتماعی، شخصیت، نقش‌ها (سن و طبقه اجتماعی، پشتوانه خانوادگی، دانشجو بودن و یا کارگر بودن و ...) و این مسائل در تعیین راحتی این افراد و همچنین در میزان درکی که از آسیب‌پذیری یک مکان دارند، تأثیرگذار است. عموماً عوامل زیادی برای عکس‌العمل نشان دادن مردم به ترس وجود دارند، اما برخی از این عوامل نقش بیشتری دارند از جمله: جنسیت، سن، تجربه‌های گذشته در مورد جرم، محیط و جغرافیا، قومیت و فرهنگ و برخی متغیرهای دیگر. اما جنسیت به عنوان مهم‌ترین عامل شخصیتی

۱. Jane Jacobs

۲. Newman

۳. Violent city

۴. Bill Hillier

۵. Space Syntax

در درک امنیت محسوب می‌شود. نوع جنایت و حس امنیت در مورد زنان و مردان متفاوت است، اما عموماً زنان ترس بیشتری حس می‌کنند تا مردان، گرچه ممکن است کمتر از مردان قربانی شوند (Howard, ۱۹۹۹: p. ۲۱۹) بطور کلی مردان احساس مثبت تری در مورد امنیت محیط خودشان نسبت به زنان دارند. هم مردان و هم زنان در تاریکی احساس ناامنی می‌کنند ولی درجه حس ناامنی در زنان بالاتر است. مثلاً در مورد وسایل نقلیه بیش از ۶۰ درصد زنان در تاریکی احساس ناامنی دارند. البته این بیشتر به ترس از آزارهای جنسی باز می‌گردد و در واقع ممکن است زنان ۱۰ برابر بیشتر از مردان تحت آزار جنسی قرار بگیرند. (گزارش کنفرانس لندن، ۲۰۰۳: ۵) اما برخی از زنان خود نیز از این ترس که در طول روز با آنها همراه است آگاه نیستند و احساس ناخوشایندی دارند. آنها با این ترس بدنیا نیامده‌اند، اما برای آنها همگانی و هنجار شده است که اگر برای مثال در شب بیرون بروند قربانی حمله خواهند شد. البته خانواده‌ها، هم‌نوعانشان و رسانه‌ها نیز بر این مساله تاکید می‌کنند و این نوع ترس را زنده می‌کنند و زنان هم آن را قبول می‌کنند. (Howard, ۱۹۹۹: p. ۲۲۱)

– ترس از محیط‌های شهری و واکنش‌های ناشی از آن

برخی از مکان‌ها بر پایه ترس ساخته شده‌اند، ترس از فعالیت‌های منفی، ترس از برخورد با مردم، ترس از عبور از خیابان‌ها، حتی ترس از آب و هوا و این ترس‌ها موجب قفل شدن افراد در محیط شده و ارتباط با جهان پیرامون را قطع کرده و یا محیط‌های عمومی را سخت و غیر جذاب می‌کنند. وجود دیوارهای تیره و ساختمان‌های غول آسا که خارج از مقیاس هستند و خیابان‌هایی که وحشت آور هستند و به جای اینکه حس مکان را ایجاد کنند، بیشتر محلی برای عبور هستند، نمونه‌هایی از چنین مکان‌هایی هستند. (www.pps.org, ۲۰۰۶). لذا عموماً مردم برای کاهش خطر قربانی شدن دو راه در پیش می‌گیرند: ۱) رفتارهای کناره گیرانه و محدود کننده، مثل اجتناب کردن از مکان‌های ناامن و یا با هم رفتن به این مکان‌ها و یا کمتر بیرون رفتن در مواقع غیر ضروری، ۲) رفتارهای

محافظه کارانه، مثل روش‌های دفاع شخصی، که البته هیچ کدام از این واکنش‌ها نمی‌توانند ترس از جرم را کاهش دهند. (Howard, ۱۹۹۹: p.۲۲۴)

در واقع ترس از جرم در یک جامعه به عنوان یک عامل نفاق، مشکلی بزرگتر از خود جرم است. مردم اغلب از جاهایی که احساس در معرض خطر بودن، آسیب دیدن و بطور کلی نا امن بودن دارند، دوری می‌کنند و به تدریج این محیط‌ها متروک می‌شوند. اگرچه در ابتدا واقعاً نا امن نبوده‌اند، حالا واقعاً به مکان‌هایی برای سو استفاده و فعالیت‌های مجرمانه تبدیل می‌شوند. برخی از نظریه پردازان (مانند نیومن) از این گونه فضاها به عنوان "فضاهای بی دفاع" یاد می‌کنند. بنابراین ایجاد محیطی که مردم را جذب و تشویق به پیاده روی (بدون ترس و حس ناامنی) بکند، در واقع شمار مردم ناظر را افزایش می‌دهد که این نیروی مردمی برای امنیت خود مردم، بسیار قوی عمل می‌کند و کیفیت زندگی در آن فضا را افزایش می‌دهد (۱۶: ۲۰۰۴، Mtani, Lubuva). ارتباط بین ابعاد فیزیکی، عینی، اجتماعی و روانشناسانه محیط (به ویژه برای زنان) بسیار پیچیده است و معماران و برنامه‌ریزان زیادی روی این مطلب بحث کرده‌اند. "تهاجم نامرئی" بخشی از علت هراسان بودن زنان است، در واقع آنان احساس مورد تهاجم قرار گرفتن را دارند. "ترس" یک فرآیند تجمعی است که در یک دوره زمانی توسعه پیدا می‌کند و از پاسخ‌هایی که فرد به تجارب شخصی و اجتماعی خود می‌دهد، تأثیر می‌پذیرد. "ترس از وقوع جرم بر هویت و معنای یک مکان تأثیر می‌گذارد، همان طور که مکان‌ها بر ایجاد ترس تأثیر می‌گذارند". به عبارت دیگر آنچه که توسط استراتژی‌هایی نظیر "طراحی فرا ترس" ، حل شده قلمداد می‌شود، یک بعد فوری و قابل مشاهده، از مساله ترس از فضاهای شهری است و درمان قطعی محسوب نمی‌شود (Koskela Pain, ۲۰۰۰: p.۲۷۱).

در کل می‌توان گفت، ترس از جرم، رفتار و حالات را در فضاهای شهری تغییر می‌دهد و این اثرات روی زنان و دیگر گروه‌های آسیب پذیر اجتماعی و اقتصادی شدید تر است، اثراتی نظیر این که: حرکت‌های آنها را محدود می‌کند و به ویژه بعد از تاریک

شدن هوا موجب در خانه ماندن آن‌ها می‌شود، فرصت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن‌ها را کاهش می‌دهد، وابستگی زنان را به مردها را افزایش داده، و دید کلیشه‌ای به زنان به عنوان ضعیف و ناتوان را تقویت می‌کند. در این فرآیند آن‌ها از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی نظیر کار کردن تا دیر وقت و یا شغل‌هایی که شیفتی هستند و یا کلاس‌های عصر گاهی و نظایر آن مستثنی می‌شوند و البته در این گونه موارد همواره زنان فقیر بیشتر قربانی جنایت و ترس از آن می‌شوند (Mtani, Lubuva, ۲۰۰۴: p۲۱).

طبقه بندی مکانی فضاهای عمومی شهری برای ارتقا امنیت

در این بخش برای سهولت بررسی بر اساس ویژگی‌های اصلی، فضاهای شهری به دو بخش مسکونی و فضاهای عمومی شهری که بیشتر شامل میادین، خیابان‌ها و پارک‌ها و نظایر آن‌ها می‌شود، تقسیم شده‌اند.

الف - امنیت در بافت مسکونی

بافت مسکونی محیطی است که در طول شبانه روز پذیرای عده زیادی از زنان است، لذا در این پژوهش امنیت این نوع محیط شهری به صورت ویژه بررسی شده است. بطور کلی با اتصال املاک به یکدیگر و ایجاد ارتباط مناسب در بین آن‌ها امنیت املاک و ساکنان آن‌ها بالاتر خواهد رفت. عموماً در اطراف املاکی که دور افتاده‌تر هستند و متروک شده‌اند احتمال وقوع جرم بالاتر می‌رود و فضاهای متراکم ساخته شده ریسک جرم را پایین می‌آورد و حتی در صورت وجود حیاط‌های پشتی بهتر است که آن‌ها نیز به هم ارتباط داشته باشند و در صورت امکان از طریق نرده‌هایی که در نهایت ۱۸۰ سانتی متر ارتفاع دارند به هم وصل شده باشند (www.dacorum.gov.uk, ۲۰۰۴). همچنین برای افزایش ضریب امنیت زنان در مناطق مسکونی، باید از امنیت زنانی که بیشتر تنها هستند (نظیر زنان خانه دار در طول روز که دیگران در اطرافشان نیستند) با افزایش بیشتر مراقبت از خیابان‌ها و کاهش دادن فرصت‌های مخفی شدن و فراهم آوردن خلوت مناسب و

تشویق نکردن ورود مزاحمان (نظیر موتور سواران و یا خودروهای عبوری از مناطق مسکونی) اطمینان پیدا کرد. (Bell, ۱۹۹۸: p۸). همچنین بر اساس مطالعه‌ای که بر روی خشونت در واحدهای همسایگی شهری در اواسط دهه ۱۹۹۰ انجام شد، نتایج نشان داد که نرخ خشونت کمتری در واحدهای همسایگی که "روحیه جمعی" دارند، اتفاق می‌افتد و این روحیه باعث نظارت در نگهداری و مراقبت از بچه‌هایشان و ابقای نظم عمومی می‌شود. (www.pps.org).

از سوی دیگر یکی از ابزارهای خلق "واحد همسایگی امن تر" این است که آن فضای باز باید، از دسترسی نسبی مردم جوان آزاد باشد. در اینجا سوالی مطرح می‌شود که: چگونه تمرکز روی بازی و کارهای قابل انجام برای مردم جوانان می‌تواند امنیت زنان را بهبود ببخشد؟ (گزارش کنفرانس لندن، ۲۰۰۳: ۱۸) البته بازی‌های خیابانی کودکان در مواردی به عنوان عوامل تقویتی امنیت محیط (به خصوص برای زنان) نیز ذکر شده است، برای مثال، به عقیده پاکزاد: "اگر کودکان بتوانند مثل سابق در کوچه‌ها بازی کنند (امنیت داشته باشند)، زنان و سالخوردگان نیز می‌توانند در این فضاها با آرامش حضور پیدا کنند و با این کار هم نیاز به ایجاد پارک‌های جدید کم می‌شود و هم در هزینه‌های شهرداری صرفه‌جویی می‌شود." (علی آبادی، ۱۳۸۱: ۵) البته این گونه بازی‌های خیابانی باید کاملاً برنامه‌ریزی شده و پیش‌بینی شده باشد و نباید حریم معابر (چنانچه در کوچه‌های سطوح مسکونی کشور ما بسیار دیده می‌شود)، را اشغال کند و یا موجب از بین رفتن خلوت و آرامش ساکنان و عابران شود، چنانچه در تجارب کشور فرانسه حضور جوانان اسکیت سوار، خود عاملی برای ایجاد حس اضطراب و نا امنی از دیدگاه زنان ارزیابی شده بود. (www.dacorum.gov.uk, ۲۰۰۴)

ب- فضاهای عمومی شهری

تحقیقات اخیر در استرالیا و دیگر کشورها (۱۹۹۵) نشان داده‌اند که تفرجگاه‌ها، بازارها و دیگر مراکز خرید عمومی در برابر جرم آسیب پذیر هستند و مولفه‌های مشخصه

جرم در آن‌ها عبارتند از: عناصری در مراکز شهری نظیر مغازه‌ها، تئاتر، رستوران‌ها، ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی و غیره. اصولاً موقعیت‌های تجاری و تفریحی بر جرم و رفتار مجرمانه در سطوح پیرامون خود تأثیر می‌گذارند، همان طور که این سطوح، قسمتی از پیاده‌روها و فضاهای خارجی خود را نیز هم‌رنگ خود می‌کنند. (Bell, ۱۹۹۸: p۱۱)

جرم‌هایی مانند: جیب‌بری، کیف‌قاپی، وندالیسم (صدمه زدن‌های مجرمانه)، سرقت وسایل نقلیه، حمله‌های بدنی خفیف و ترساندن و برخی موارد دیگر نظایر آن‌ها می‌شود. اما بیشتر رفتارها و اعمالی که گروه‌های زیادی از استفاده‌کنندگان را، از مراکز شهری می‌ترساند، اعمالی است که گرچه بطور اصولی جرم نیست، اما باعث بی‌نظمی عمومی می‌شود.

جین جیکوب^۱ (۱۹۶۱)، از آن‌ها به عنوان "بربریت (وحشیگری) خیابان"^۲ یاد می‌کند. این اصطلاح زنده‌ای است که با مفهوم شهرها به عنوان مراکز تمدن تقابل دارد. البته بین بی‌تمدنی و خشونت اجتماعی با بی‌تمدنی فیزیکی تفاوت وجود دارد، برای مثال حضور معتادان در یک فضای عمومی شهری بی‌تمدنی فیزیکی و بددهنی و ناسزا گفتن او در این فضا بی‌تمدنی اجتماعی محسوب می‌شود. (STiesdell, ۱۹۹۶: p۵۱).

– رویکرد برنامه‌ریزی کالبدی به امنیت محیط شهری

در ۱۹۹۰، ولنتاین^۳ ادعا کرد که "با تسهیل، ادراکی که از یک مکان فیزیکی وجود دارد و بطور غیر رسمی از طریق طراحی کنترلی می‌توان اطمینان زنان را برای بیرون رفتن از خانه‌هایشان افزایش داد." او ده استراتژی طرحی را پیشنهاد کرد که عموماً درباره موقعیت، قابلیت دید بخصوص در ورودی‌ها، نورپردازی، نقاشی دیوارها، پل‌های عبور عابر پیاده، کوچه‌ها و راه‌های زیر گذر، منظرسازی، توسعه کف‌سازی‌ها و کنج‌ها و زاویه‌ها می‌شد. ولنتاین رویکردش را نسبت به محیط اجتماعی هم بسط داد و گفت: "زنان با حضور بالفعل و بالقوه دیگران، احساس امنیت بیشتری می‌کنند، زیرا آن‌ها فکر می‌کنند

۱. Jane Jacobs

۲. Street barbarism

۳. Valentine

که متخلفین با حضور و مداخله ناظران می‌ترسند (حتی هنگامی که می‌دانند که شاهدان نمی‌توانند جلو رخ دادن جرمی را بگیرند)".

در واقع درک یک زن از امنیت بطور قوی با اینکه چگونه او در ارتباط با هر دو نوع محیط فیزیکی و اجتماعی اطرافش احساس راحتی می‌کند و آن‌ها را چگونه می‌شناسد، ارتباط دارد. در نتیجه می‌توان گفت: "ارتباطات اجتماعی در یک فضا و گروه‌هایی که آن فضا را از نظر اجتماعی کنترل می‌کنند، اثر مهم‌تری در اینکه یک زن در آن فضا احساس امنیت بکند دارد تا طراحی آن".

اما سیاست‌های کاربری زمین و حمل و نقل شهری و نظایر آن، بر سطح استفاده از مکان‌های عمومی و طبیعت استفاده‌کنندگان تأثیر می‌گذارد و در نتیجه برنامه‌ریزی و طراحی شهری می‌تواند بر فرآیند کنترل و مدیریت اجتماعی این فضاها تأثیر بگذارد (Bell, ۱۹۹۸: p۱۹).

مفاهیم بنیادین رویکرد برنامه‌ریزی کالبدی به امنیت شهری

بر اساس آنچه که انجمن شهرسازی آمریکا در قالب استانداردهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری مطرح کرده است، جهت ارزیابی فضای شهری در مقابل تهدیدها و آسیب‌ها می‌بایست شرایط درونی و بیرونی فضا، شامل کاربری‌های مجاور، الگوهای حرکتی، مرزهای فضا، محل‌های بالقوه برای پنهان شدن، روشنایی فضا و جلوگیری از اعمال خرابکارانه مورد توجه قرار گیرند. افزون بر اینها باید به پیاده‌روهای اطراف فضا و حرکت خودروها و دسترسی‌ها هم توجه داشت و سپس فضا را لایه بندی امنیتی نمود تا بر اساس این لایه بندی کنترل شوند. (اعتماد، ۱۳۸۷: ۲۹۲) به طور کلی از عناصر و عوامل تأثیرگذار در رویکرد کالبدی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف- کاربری‌ها و فعالیت‌های ناشی از آنها

امنیت یک فضا به کاربری‌های محاط کننده آن هم بستگی دارد و باید تدابیری برای کاهش اثرات منفی کاربری‌های خلوت و متروک که مشکل ساز هستند، اندیشیده شود. ایده کاربری‌های مختلط که در طی دهه ۱۹۶۰ توسط جین جیکوب مطرح شد، هنوز هم بخوبی در دانش طراحی نفوذ نکرده است. در این ایده از ساختن محیط‌هایی که زنان را در نظر بگیرد بحث شده بود. بطور کلی برخی از اصول کلی مطرح شده در این زمینه به شرح زیر می‌باشند:

- کاربری‌های طبقات هم کف باید فعال باشند(منفعل و راکد نباشند و بر محیط تاثیر گذار باشند).
- توجه به تئوری چشم‌های خیابان و استفاده از نماهای فعال برای نظارت بر فضاها و ارتقاء امنیت آنها.
- نگهداری خوب(تئوری پنجره‌های شکسته)، که اگر یک پنجره بشکند، منجر می‌شود که بقیه با سرعت بیشتری بشکنند و کلاً یک حرکت رو به زوال مارپیچی ایجاد می‌شود.
- برای نمونه در انگلستان و در راستای ارتقاء امنیت در فضاهای عمومی شهری، سیاست کاربری‌های مختلط تشویق شدند و مخلوطی از مشاغل کوچک، خانه‌ها و اداره‌ها در مراکز شهری و ایجاد آپارتمان‌ها در طبقات بالای مغازه‌ها در طرح‌ها اعمال شدند تا میزان فعالیت و بنابراین امنیت را افزایش بدهد. (www.dacorum.gov.uk, ۲۰۰۴) در واقع در تهیه طرح‌های کاربری زمین، باید چنان ساختار شهری ایجاد شود که امکان در هم آمیزی فضاهای جذاب شهری را فراهم سازد و این اطمینان حاصل شود که فضاهای موجود، زندگی شهری را بهتر می‌کنند و در ساختن فضاهای جذاب شهری سهم دارند (هال، پیترو و فایفر، اولریخ، ۱۳۸۸: ۴۳۶).

ب- خوانایی^۱ فضاهای شهری

خوانایی اصولاً به درجهٔ درک از یک فضا و وضوح آن بر می‌گردد و اینکه فضای مورد نظر از یک الگوی منسجم بر خوردار باشد. وقتی فضایی خوانا است به احساس راحتی و امنیت کمک می‌کند و بر عکس هنگامی که علائم راهنما وجود ندارند و فضا گیج‌کننده است، احساس امنیت از بین می‌رود. (H.Russ, ۲۰۰۶: p.۲۵)

ج- دسترسی داشتن به کمک

تجهیزات امدادی (حتی اگر نمادین باشند) موجب احساس آرامش و امنیت ذهنی می‌شوند. برای مثال تدابیری نظیر نصب تلفن‌های عمومی در مکان‌های قابل دید، باعث می‌شود تا احساس رها و جدا بودن فضا از بین برود، گرچه ممکن است به ندرت از آن‌ها استفاده شود، اما باعث می‌شود تا احساس امکان دسترسی به کمک در افراد تقویت شود. در واقع تلفن‌ها شاید بیشتر حالت نمادین داشته باشند و البته در مواقعی هم واقعا تلفن‌ها ابزاری برای امداد محسوب می‌شوند، در این گونه موقعیت‌ها بهتر است تلفن‌ها یک کد و یا مشخصه تعیین موقعیت داشته باشند تا شخصی که از طریق آن‌ها تماس می‌گیرد به سرعت و بصورت اورژانسی بتواند موقعیت جغرافیایی خود را اعلام کند. همچنین مکان تلفن‌ها هم بهتر است با نور (در شب) و علائم هدایت‌کننده (که باید از ۲۰ متری هم مشخص باشد) مشخص شده باشد تا اطمینان لازم را در عابران ایجاد کند.

نکته مهم در این زمینه این است که طراحی تجهیزات امدادی باید به گونه‌ای باشد که اعمال خرابکارانه را تشویق نکند، زیرا وجود هرگونه منابع صدمه دیدهٔ ناشی از اعمال خرابکارانه در محیط شهری، می‌تواند اثر منفی در حس امنیت منتقل شده به شهروندان داشته باشد. همچنین دیدن گشت‌های پلیس هم می‌تواند به افزایش احساس امنیت کمک کند. (۲۰۰۵، www.pps.org)

همچنین بطور کلی از سایر عوامل کالبدی که میزان احتمال آسیب پذیری یک فضای باز را بالا می‌برند می‌توان به میزان روشنایی فضا، جداسازی صوتی و فیزیکی، نگهداری و مراقبت ضعیف، احساس "نا مطلوب" بودن، دید ضعیف و سطوح پنهان، و اعمال خرابکارانه اشاره کرد (www.pps.org, ۲۰۰۵). اما با استفاده از روش‌های مداخله در کالبد فضاهای باز شهری تا حد زیادی می‌توان این نقاط ضعف را تعدیل نمود و ضریب امنیت محیط را افزایش داد.

د- مراقبت‌های طبیعی

افزودن عصاره "چشم‌های خیابان" به برنامه ریزی و طراحی، فرصت‌هایی را برای مراقبت‌های نا محسوس از مکان‌های رها شده که ممکن است جرم و جنایت در آن‌ها رخ بدهد، پدید می‌آورد. مردم وقتی در معرض دید هستند و یا صدایشان شنیده می‌شود، احساس امنیت بیشتری دارند این یک اصل کلی است که همه توسعه‌های جدید باید طوری طراحی شوند که فرصت‌هایی را برای مراقبت طبیعی افزایش بدهند (Monahan, ۲۰۰۶: p. ۸۳) استفاده از نماهای فعال یکی از عناصر اصلی مداخلات فیزیکی در جهت کنترل امنیت فضاهای عمومی شهری است. همچنین استفاده از ابزارهای مدرن نظارت نظیر دوربین‌های مدار بسته (CCTV) به عنوان نمونه‌ای از پر کاربرد ترین ابزار رایج در سراسر جهان برای نیل به فضاهای امن به ویژه در جاهایی که نظارت طبیعی امکان‌پذیر نیست، مطرح است. که در اینجا به دلیل رعایت اختصار از پرداختن به این نوع از نظارت صرف نظر شده است.

ه- میزان آشنایی فضا^۱

تکرار مناظر آشنا در فضاهای عمومی شهری نه تنها حس غربت و اضطراب آن را از بین می‌برد، بلکه به مردم در مسیر یابی کمک می‌کند و از گم شدن احتمالی و ترس ناشی

۱. Familiarity

از آن جلوگیری می‌کند. همچنین این مساله علاوه بر ساخت اماکن و فضاهای آشنا، می‌تواند در قالب مبلمان شهری با سبک‌های آشنا نظیر نیمکت‌ها و سطل‌ها، کیوسک‌های تلفن و پناهگاه‌های اتوبوس و نظایر آن که از جمله عناصر الحاقی به محیط محسوب می‌شوند، نیز قابل دستیابی باشد. البته استفاده از سبک‌های آشنا به معنی نفی طرح‌های مدرن و نوآوری نخواهد بود و در واقع نکته مهم در ترکیب کردن سبک‌های آشنا و جدید بطوری که برای مردم قابل درک و استفاده باشد، است (Burton & Mitchell, ۲۰۰۶: p ۷۶)

و- حیات شبانه کاربری‌ها و فعالیت‌های شهری

حقیقتی که وجود دارد این است که تعداد زیادی از زنان پس از تاریک شدن هوا از خانه‌هایشان بیرون نمی‌آیند تا از فضاهای عمومی استفاده کنند و یا از کسی می‌خواهند تا آنان را مشایعت کند. در اینجا سوالی که ممکن است پیش بیاید این است که چرا امنیت زنان؟ در حالی که مردها ممکن است بیشتر تحت تأثیر خطرات محیطی قرار بگیرند. اما این مثل آن می‌ماند که درست است که بیشتر تصادفات در نزدیکی خط کشی‌های عابر پیاده رخ می‌دهند ولی این به آن معنی نیست که آنجا مکان امنی برای عبور نیست، بلکه نسبتاً تعداد بیشتری از عابران از آن نقطه رد می‌شوند. (گزارش کنفرانس لندن، ۲۰۰۳: ۱۲)

نکته جالب این است که تاریکی شب خود به عنوان یک عنصر "طبیعی" از تغییر محیط زیست که بر ترس از جرم تأثیر می‌گذارد، از نظر اجتماعی تحت تأثیر جو اجتماعی حاکم بر فضای شبانه قرار می‌گیرد. (چنانچه در کشور ما و در شب‌های عزاداری ماه محرم و حضور فعال مردم تا ساعات نیمه شب، زنان آزادانه و گروهی یا انفرادی با آرامش در معابر و پارک‌ها قدم می‌زنند) و یا برای مثال در تجربه‌ای که در هلسینکی^۱ (فنلاند) انجام گرفت، مشخص شد که با وجود آن که شب‌های تابستانی کوتاه مدت است، در حالی که در طی زمستان تاریکی زود هنگام بعد از ظهر وجود دارد، با این حال زنان شب‌های تابستان و

زمستان را به یک اندازه خطرناک درک کرده‌اند. لذا به این نکته دست یافتند که در واقع آنچه که زنان را محتاط می‌کند "شب اجتماعی"^۱ است: "مساله این است که چه چیزی در فضاها و در شب هنگام در حال وقوع است". (Koskela Pain, ۲۰۰۰: p۲۸۶)

به عنوان یک راه حل، پیرامون آنچه که در استرالیا بررسی شد و البته به عموم کشورها نیز قابل تعمیم است، تحرکات اقتصاد شبانه، بر مراکز شهری و به ویژه بر امنیت زنان تأثیر عمده‌ای گذاشت و موجب آوردن ترکیبی از مردم به مراکز شهری شد که این امر بر بهبود نورپردازی و سرویس‌های حمل و نقل عمومی تأثیر خواهد گذاشت. برنامه‌های سرزنده فرهنگی شبانه، خیابان‌ها را احیا خواهد کرد و در نتیجه فضاهای خالی می‌توانند به عنوان فعالیت‌های فرهنگی استفاده شوند تا زمینه وقوع جرم، مثلاً نورپردازی‌ها بصورت دنباله دار می‌تواند مردم را به سمت مرکز شهر جذب و هدایت کند (Bell, ۱۹۹۸: ۱۹)

- بررسی تجارب جهانی انجام گرفته در زمینه ارتقاء امنیت زنان در شهرها

با توجه به اینکه تا کنون در کشور ما الگو و تجربه انجام گرفته‌ای در زمینه ارتقاء امنیت زنان در فضاهای عمومی شهری، به ویژه با استفاده از روش‌های فیزیکی و مداخله در برنامه‌ریزی کاربری‌ها و فعالیت‌ها، وجود نداشته، در این بخش با ذکر نمونه‌های مختلف تجارب جهانی موفق در این زمینه سعی شده است تا برآیند شاخص‌ها و راهکارهای لازم برای مطالعه میدانی پژوهش استخراج شود. در واقع روش تجربی مطالعه صورت گرفته عمدتاً بر اساس مبانی استخراج شده و روش‌های موفق در سایر تجارب جهانی خواهد بود.

- تجربه تورنتو^۲

۱. Social night

۲. Toronto

در پروژه W.L.S.E که درباره طراحی فضاهای شهری برای امنیت زنان در شهر تورنتو و در ۱۹۹۱ انجام گرفت از روش برنامه‌ریزی و طراحی حساس^۱ برای ایجاد حس امنیت در زنان استفاده شد. در این برنامه دو راهبرد عمده را برای ایجاد شهر امن‌تر برای زنان مطرح کردند: اول ایجاد خط‌مشی‌هایی برای ایجاد فضاهای باز امن شهری و دوم آماده کردن مسئولین شهر برای این که به گزینه‌ها از دور نگاه کنند. این خط‌مشی‌ها شامل: نور رسانی‌ها، نشانه‌ها و شاخص‌های حرکتی، توجه به نقاط اغفال‌کننده، مراقبت‌ها و کنترل‌ها، کاربری‌های مختلط، مولدان فعالیت، ایجاد احساس مالکیت، ابقا و نگهداری، اطلاع‌رسانی و کیفیت طراحی می‌شد.

در مرحله بعد این خط‌مشی‌ها در مکان‌های ویژه‌ای که به طور رایجی نا امن قلمداد می‌شدند یا جاهایی که مردم احساس نا امنی می‌کردند اعمال شدند. مثل مکان‌های وابسته به حمل و نقل، واحدهای همسایگی مسکونی، مراکز شهر و مکان‌ها خصوصی‌تر نظیر: توالت‌های عمومی، آسانسورها، پله‌های اضطراری و پل‌های عابر پیاده. حالا این خط‌مشی‌ها در سطح کل استرالیا و از طریق یک تحلیل جامع از سیاست‌های CPTED^۲ (پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی) در سطح حکومت محلی (سازمان‌های برنامه‌ریزی Bell) استفاده می‌شود. خط‌مشی‌های اخیر برای "فضاهای آسیب‌پذیر" تعریف شده‌اند و این فضاها، فضاهایی هستند که درک عمومی هم از آنها نا امن است و ممکن است در آنها رفتارهای آزاردهنده رخ بدهد. فضاهای آسیب‌پذیر عموماً عبارتند از: کاربری‌های مربوط به فعالیت‌پذیری‌ها و مراکز تفریحی بزرگ، لبه‌های مراکز خرید و یا لبه‌های بیمارستان‌ها و دیگر سازمان‌های بزرگ، فضاهای باز، فضاهای اطراف مدارس، فضاهای عمومی مثل تسهیلات حمل و نقل عمومی، پارکینگ‌های ماشین، توالت‌های عمومی، جایگاه‌های تلفن و نظایر اینها. اما اغلب فضاهای آسیب‌پذیرتر در مکان‌های

۱. Sensitive design and planning
۲. Crime Prevention Through Environment Design

متروک و پنهان شده، هستند و نقاط اغفال کننده دارند، به ویژه مکان‌هایی که بعد از ساعت‌ها استفاده عادی شده‌اند.

همچنین از دیگر روندها و راه‌حل‌های مطرح شده خط مشی‌های CPTED توسط مسئولین برنامه ریزی دولت محلی، ترویج "اقتصاد شبانه"^۱، باز تولید کردن مسکن در مراکز شهری، افزایش دادن شرکت زنان در برنامه ریزی و طراحی، ارتقا دادن "دهکده‌های شهری"^۲ به عنوان یک گزینه برای مراکز سنتی و قدیمی و مبتنی بر حوزه‌های قابل پیاده روی در اطراف مراکز و ایستگاه‌های حمل و نقل و ایجاد پردیس‌های امن زنان^۳ می‌باشد. (Bell, ۱۹۹۸: p۲۲)

– تجربه دارالسلام^۴

در پی افزایش جرم در دارالسلام و اینکه امنیت زنان در فضاهای شهری بسیار کاهش یافته بود، برنامه‌هایی در جهت ارتقاء امنیت آنان تهیه شد. پس از بررسی‌ها، اعلام شد که یکی از عوامل اصلی این مساله شهرنشینی سریع به همراه تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. برای جلوگیری پس از بررسی علل وقوع جرم، رویکردهای مشارکتی و فراگیر در قالب سه راهبرد عمده مد نظر قرار گرفت: ۱- تغییر محیط فیزیکی که پتانسیل جرم دارد، ۲- تغییر شرایط اجتماعی که جرم را تقویت می‌کند و ۳- مقولات سیاسی و سازمانی.

مداخلات فیزیکی برنامه ارتقاء امنیت زنان، که تاکید اصلی این پژوهش است، شامل طراحی شهری امن تر در فضاهای عمومی و سیستم‌های حمل و نقل عمومی، تمرکز بر عناصر آگاهی از محیط (نور، نشانه‌ها، سخت افزارهایی مثل اتصالات و پل‌ها، مسیرهای انتخابی و تناوبی، از بین بردن عوامل گمراه کننده)، عناصر مربوط به افزایش قابلیت دیده

۱. Night economy

۲. Urban villages

۳. Women safe campuse

۴. Dar es Salaam

شدن و مراقبت‌های غیر رسمی با کمک مولدان فعالیت (مغازه‌ها، ورزشگاه‌ها و غیره) و ایجاد احساس مالکیت و افزایش دستیابی به کمک نشانه‌ها و اطلاعات و ارائه خدمات اورژانسی می‌باشد. همچنین مداخلات فیزیکی برنامه ارتقاء امنیت زنان، آموزش و ایجاد شغل برای زنان جوامع فقیر، ارتقاء دادن خدمات عمومی اجتماع محور^۱ و توانمند سازی اجتماعی خلافکاران را هم در نظر گرفته بود. (Mtani, Lubuva, ۲۰۰۴: p ۲۴)

– کنفرانس لندن و تجارب آن

کنفرانس "ساختن مکان‌های امن تر و امنیت زنان در شهرها"، در نوامبر سال ۲۰۰۵ و در لندن برگزار شد. در این کنفرانس از متخصصین مختلفی دعوت به عمل آمد. همچنین مطالعات عملیاتی این کنفرانس بر روی زنان ویتنامی انجام گرفت که در غالب ۳ کارگاه انجام شد: (۱) کارگاه طراحی شهری، (۲) کارگاه روش‌های سنجش و ارزیابی و (۳) کارگاه تمرین اولویت دادن^۲ و طرح‌های اجرایی.

کارگاه طراحی شهری روی مقولاتی مثل دسترسی و حرکت و نماهای فعال و مسائلی مثل اینکه نماهای فعال فرصت‌های اعمال مجرمانه را کاهش می‌دهند و از این دست، تمرکز کرد و مکان‌هایی را معرفی کرد که موفق بودند و از نظر حرکتی خوب طراحی شده‌اند و انواع حرکت را دارند. کارگاه روش‌های ارزیابی نشان داد که به یکسری از مقولات باید توجه شود مثل: مغازه‌های خالی، چیزهای غیر ضروری^۳، کمبود مسئولین مثل پلیس، نگهبان‌ها و نظایر آن و نور ضعیف، نشانه‌های هدایت کننده ضعیف، وندالیسم، کمبود نقاط امدادی مثل تلفن‌ها. البته پس از رأی‌گیری نتیجه گرفته شد که عامل "نور ضعیف" مهمترین اولویت را در تضعیف امنیت دارد. (گزارش کنفرانس لندن، ۲۰۰۳: ۲۵)

۱. Community base
۲. Prioritization exercise
۳. litter

– تجربه ارتقا امنیت مرکز شهر کاونتری^۱

کاونتری یکی از شهرهای انگلیس است که در طی جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵) بر اثر بمباران، بیشترین خرابی‌ها را شاهد بود. اما خرابی‌های جنگ انگیزه و فرصت‌هایی را هم ایجاد کرد و یکی از این فرصت‌ها بازسازی مرکز شهر کاونتری در تطابق با ایده‌های مدرنیست و مبتنی بر منطقه بندی عملکردی^۲ و جداسازی اکید سواره و پیاده بود. کاونتری بسرعت در طرح بازسازی بر دیگر شهرها پیشی گرفت. کاونتری بطور کلی یک شهر کارگری است و در نتیجه ایجاد خرده فروشی‌ها با درآمد مصرف کنندگان جور در می‌آید و البته تعداد کمی هم خرده فروشی‌های مرتبه بالاتر وجود داشتند. اگر چه نمونه‌ای از بهترین اندیشه‌ها و طرح‌ها در برنامه ریزی شهری و معماری در دوره‌های شکل گیری این شهر بوده‌اند، اما کاونتری در این میان زیان دید. سطوح مرکز شهر آن کاملاً تک عملکردی و اغلب خرده فروشی شده بود و طبقات بالاتر که برای کاربری اداری طراحی شده بودند، عمدتاً خالی ماندند. چون مرکز شهر به طور سستی جمعیت خیلی کمتری از بخش‌های اداری دارد و همچنین واحدهای خرده فروشی در طبقات بالاتر هیچگاه موفق نخواهند بود. با توجه به جاذبه کم مرکز شهر، خرده فروشی‌ها و سطوح خرید نیز به طور تحت تأثیری، بعد از ساعت ۶ بعد از ظهر بسته می‌شدند و مرکز شهر نیمه تعطیل می‌شد.

مرکز شهر کاونتری بعد از ویرانی در اثر جنگ جهانی دوم و بازسازی مجدد، بطور استثنایی جمعیت مسکونی بسیار پایینی پیدا کرد و این جمعیت گم شده پس از بازسازی جنگ اول به عنوان نتیجه‌ای از ایده‌های منطقه بندی عملکردی محسوب می‌شدند.

کاونتری در حدود دهه ۱۹۸۰ توجه عمومی را بسوی خود جلب کرد، زیرا به دلیل مشکلات متعدد نا امنی در سطح شهر علاوه بر آیین نامه "قد غن شدن الكل" از اولین

۱. Coventry

۲. Functional zoning

شهرهای انگلیسی بود که دوربین مدار بسته در آن نصب شد. و البته این مسائل باعث ایجاد تصور عمومی منفی (و البته نا درست) از اینکه شهر قوانین سختگیرانه‌ای دارد و تحت کنترل شدید "نظم و قانون" است، شد و در مرحله بعد پروژه مرکز شهر امن‌تر در شورای شهر کاونتری طرح شد. که سیاست نظارت طبیعی و استفاده از دوربین‌های مدار بسته به عنوان اصلی‌ترین راهکارها، از سوی مسئولین شهر انتخاب شد و نهایتاً شهرهای دیگری نظیر گلاسکو نیز در این روش، کاونتری را الگوی خود قرار دادند. (S Tiesdell, ۱۹۹۶: p۵۳)

جمع بندی نظری و فرآیند مفهوم سازی

بررسی مبانی نظری و تجارب صورت گرفته در مجموع، مفاهیم و شاخص‌های مشترکی را جهت سنجش الگوی برنامه‌ریزی کاربری زمین جهت ارتقاء امنیت زنان آشکار می‌سازد. برای این کار با استفاده از فرآیند مفهوم سازی^۱، که در واقع ساختن مفهومی انتزاعی برای فهمیدن یک امر واقعی است (خاکی، ۱۳۷۸: ۷۵)، همان طور که ذکر شد با تسهیل ادراکی که از یک مکان فیزیکی وجود دارد و بطور غیر رسمی از طریق طراحی کنترلی می‌توان اطمینان زنان را برای بیرون رفتن از خانه‌هایشان افزایش داد. یکی از مفاهیم اصلی تاثیر گذار در فرآیند طراحی کنترلی، کاربری‌ها و فعالیت‌های موجود در فضا هستند. امنیت یک فضا به کاربری‌های محاط کننده آن هم بستگی دارد و باید تدابیری برای کاهش اثرات منفی کاربری‌های خلوت و متروک که مشکل ساز هستند، اندیشیده شود. همچنین استفاده از سیاست کاربری‌های مختلط می‌تواند به ارتقاء امنیت فضاهای شهری کمک نماید. در این پژوهش ابتدا رابطه تنوع کاربری و فعالیت شهری و تاثیر آن بر مفهوم امنیت بررسی می‌شود. سپس عوامل مؤثر در برنامه‌ریزی کالبدی امنیت

که در بخش مبانی شرح داده شده‌اند، به شاخص‌های سازنده آن تفکیک شده و در قالب پرسشنامه‌ای، سوالی متناظر با هر یک از متغیرهای مورد بررسی طرح شده است. این شاخص‌ها شامل " آشنا بودن فضا (و نداشتن احساس غربت)"، "نظارت و مراقبت از فضا"، "خوانایی فضا"، "میزان دسترسی به امداد در محیط" و "میزان حیات شبانه فضا" می‌باشند که نحوه سنجش آن‌ها در بخش روش تحقیق آورده شده است.

ارائه سوالات و فرضیات تحقیق

با توجه به تأکید این پژوهش بر سنجش تاثیر گذاری الگوی برنامه ریزی کاربری اراضی شهری در فرآیند ارتقاء امنیت زنان در فضاهای عمومی شهری، فرضیه اصلی تحقیق عبارت است از: "به نظر می‌رسد بین افزایش میزان تنوع کاربری‌ها و فعالیت‌های شهری در فضای عمومی محدوده مطالعاتی با ارتقاء میزان امنیت زنان رابطه‌ای مستقیم وجود دارد". همچنین سوالات اصلی تحقیق عبارتند از:

- آیا با افزایش تنوع و تراکم کاربری‌های شهری در یک فضای عمومی شهری، میزان امنیت آن فضا برای زنان افزایش پیدا خواهد کرد؟
- چگونه شاخص‌های برنامه‌ریزی کالبدی، بر ارتقاء امنیت زنان در فضاهای شهری تاثیر می‌گذارند؟

در گام بعدی با استفاده از آنچه در مبانی نظری و بررسی تجارب صورت گرفته، مطرح شد، سعی می‌شود تا با استفاده از رویکرد مشارکتی و توزیع پرسشنامه و اعمال نظرات مستقیم بانوان استفاده کننده از فضا، فرضیه اصلی پژوهش سنجیده و شاخص‌های مؤثر در برنامه‌ریزی کالبدی، با هدف ارتقا امنیت زنان بررسی شود.

روش شناسی تحقیق

در طراحی برنامه‌ای برای ایجاد یک فضای امن برای زنان، گام اول، توسعه یک پایگاه اطلاعاتی است که اجبارها و چالش‌هایی را که در مقابل زنان قرار دارند را مشخص کند، تا بروی عناصر مشخص شده تمرکز شود (Brady, ۲۰۰۵: p.۶۶). لذا رویکرد مطالعاتی منتخب در این پژوهش استفاده از مشارکت مردمی و اعمال نظرات مستقیم بانوان در برنامه‌ریزی ارتقاء امنیت محدوده مطالعاتی می‌باشد. در تمامی فرآیند تحقیق، ارزیابی‌ها بر اساس نتایج پرسشنامه‌های توزیع شده در محدوده مطالعات میدانی، صورت گرفته است. محدوده منتخب برای مطالعه میدانی، شامل فضاهایی بسیار پر تردد از بخش مرکزی شهر تهران واقع در جنوب خیابان امام خمینی در حد فاصل دو خیابان ناصرخسرو تا وحدت اسلامی است که دارای کاربری‌ها و فعالیت‌های متنوعی جهت سنجش احساس امنیت زنان در مواجهه با آن‌ها است. پرسشنامه‌ها در ساعات مختلف روز و شب در بین زنان استفاده کننده از فضا توزیع شده است و همچنین از طریق انجام مصاحبه‌های عمیق^۱ نظرات جانبی آنان استخراج شده است.

در تنظیم پرسشنامه از طیف لیکرت (۵ گزینه‌ای) استفاده شده است و شاخص‌های مورد سنجش در قالب سوالات منعکس شده‌اند، جهت برآورد حجم جامعه آماری با توجه به سنجش اولیه از تعداد بانوان استفاده کننده از فضا، پس از آزمون اولیه^۲ پرسشنامه مقدماتی (تعداد ۵۰ نمونه) بین زنان توزیع گردید و انحراف معیار آن محاسبه شد (معادل ۰.۴۶). و اعتبار سوالات مورد تأیید قرار گرفت. برای تعیین حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران (طالب، ۱۳۷۰: ۷۶) و با جای‌گذاری انحراف معیار در این فرمول و انتخاب دقت $\alpha=0.05$ تعداد حجم نمونه ۲۸۷ مورد به دست آمد. لذا برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به

۱. Deep Interview

۲. Pre test

این تعداد، حجم نمونه معادل با ۳۰۰ عدد در نظر گرفته شده است؛ سپس پرسشنامه‌ها در زمان‌های مختلف روز و شب در بین اقشار گوناگون بانوان در قسمت‌های مختلف محدوده توزیع شده است.

نهایتاً داده‌های خام بدست آمده دسته‌بندی شده و با استفاده از نرم افزارهای Excel و SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. جهت تحلیل و بررسی میزان صحت سؤالات پرسشنامه و سنجش سطح مناسبت ابزار تحلیل، با استفاده از روش تحلیل قابلیت اطمینان^۱ ضرایب آلفای تمامی سؤالات محاسبه شده است. بر اساس محاسبات صورت گرفته چون ضرایب آلفای تمامی سؤالات پرسشنامه بزرگ‌تر از ۰/۶ است، ضرورتی برای حذف هیچ کدام از سؤالات وجود نداشت.

برای سنجش میانگین احساس امنیت زنان در مواجهه با کاربری‌های اصلی محدوده مطالعات میدانی، ابتدا به دلیل تنوع بسیار کاربری‌ها و فعالیت‌ها، کاربری‌های همگن و با عملکرد مشابه بر اساس موقعیت در قالب نقشه‌ای پهنه‌بندی شدند. در توزیع پرسشنامه نیز ضمن نشان دادن نقشه فضای شهری مذکور، طی سوالاتی جداگانه احساس امنیت زنان در مورد هر پهنه پرسیده شد و در نهایت با استفاده از آزمون T-test میانگین احساس امنیت در مواجهه با کاربری‌های مختلف مقایسه شدند.

برای سنجش فرضیه اصلی تحقیق که عبارت است از: " به نظر می‌رسد بین میزان تنوع کاربری‌ها و فعالیت‌های شهری در فضای عمومی محدوده مطالعاتی با افزایش میزان امنیت زنان رابطه‌ای مستقیم وجود دارد" می‌باشد، ابتدا با استفاده از آزمون خی دو رابطه بین کاهش و افزایش میزان تنوع کاربری‌ها و فعالیت‌های محدوده مطالعاتی با امنیت زنان سنجیده و سپس با استفاده از روش همبستگی گامای این دو متغیر، که بیان‌کننده شدت

۱. Reliability Analysis

۲. Alpha Coefficient

تأثیر آن‌هاست، محاسبه شده است. نهایتاً نیز با استفاده از آزمون بتا و توسط سوالاتی جداگانه میزان اهمیت تأثیرگذاری متغیرهای تنوع کاربری‌ها و تنوع فعالیت‌ها در فضای عمومی مقایسه شده‌اند.

پس از تبیین نتایج تأثیر کاربری‌ها و فعالیت‌ها بر احساس امنیت زنان شرکت‌کننده در تحقیق، شاخص‌های مؤثر در برنامه‌ریزی کالبدی و احساس امنیت زنان در فضای مورد مطالعه در قالب سوالات جداگانه‌ای و با استفاده از آزمون T سنجیده شده‌اند. این شاخص‌ها که هر دو بعد کالبدی و کالبدی-اجتماعی (جمعیت در تعامل با فضای کالبدی) را در نظر می‌گیرند عبارتند از: "پویایی و فعال بودن جمعیت"، "آشنا بودن فضا و ایجاد خاطره مثبت"، "خوانایی محیط، میزان نظارت طبیعی بر فضا (سیاست چشم‌های خیابان)" و "دسترسی به امداد".

در مرحله بعد میزان تردد و امنیت شبانه بانوان در فضای مطالعاتی با استفاده از آزمون T سنجیده شده است. همچنین جهت سنجش تأثیر کاربری‌ها و فعالیت‌ها، بر رکود شبانه فضا و احساس ناامنی ناشی از آن، طی نقشه‌ای جمعیت روزانه استفاده‌کننده از فضا با جمعیت شبانه مقایسه شده است و همچنین برای سنجش تأثیر گذاری میزان فعال بودن کاربری‌های محدوده در ساعات مختلف پس از تاریکی هوا بر رونق و حیات عمومی محدوده، میزان فعالیت کاربری‌ها بر اساس زمان پس از تاریکی هوا در قالب نقشه‌ای تهیه شده است. در نهایت پس از جمع‌بندی نتایج به دست آمده از مطالعات نظری، بررسی تجارب جهانی و مطالعات میدانی صورت گرفته، راهکارهایی در جهت ارتقا امنیت زنان از طریق برنامه‌ریزی کالبدی پیشنهاد می‌شود.

- سنجش روایی و پایایی

جهت تحلیل و بررسی روایی و پایایی و میزان صحت سؤالات پرسشنامه و سنجش سطح مناسبت ابزار تحلیل، با استفاده از روش تحلیل قابلیت اطمینان^۱ ضرایب آلفای تمامی سؤالات محاسبه شده است. بر اساس محاسبات صورت گرفته چون ضرایب آلفای تمامی سؤالات پرسشنامه بزرگتر از $0/6$ است، ضرورتی برای حذف هیچ کدام از سؤالات وجود نداشته و تأیید شده است که مدل مورد استفاده جهت سنجش امنیت بانوان، از دقت و صحت مناسبی برخوردار است.

یافته‌های پژوهش

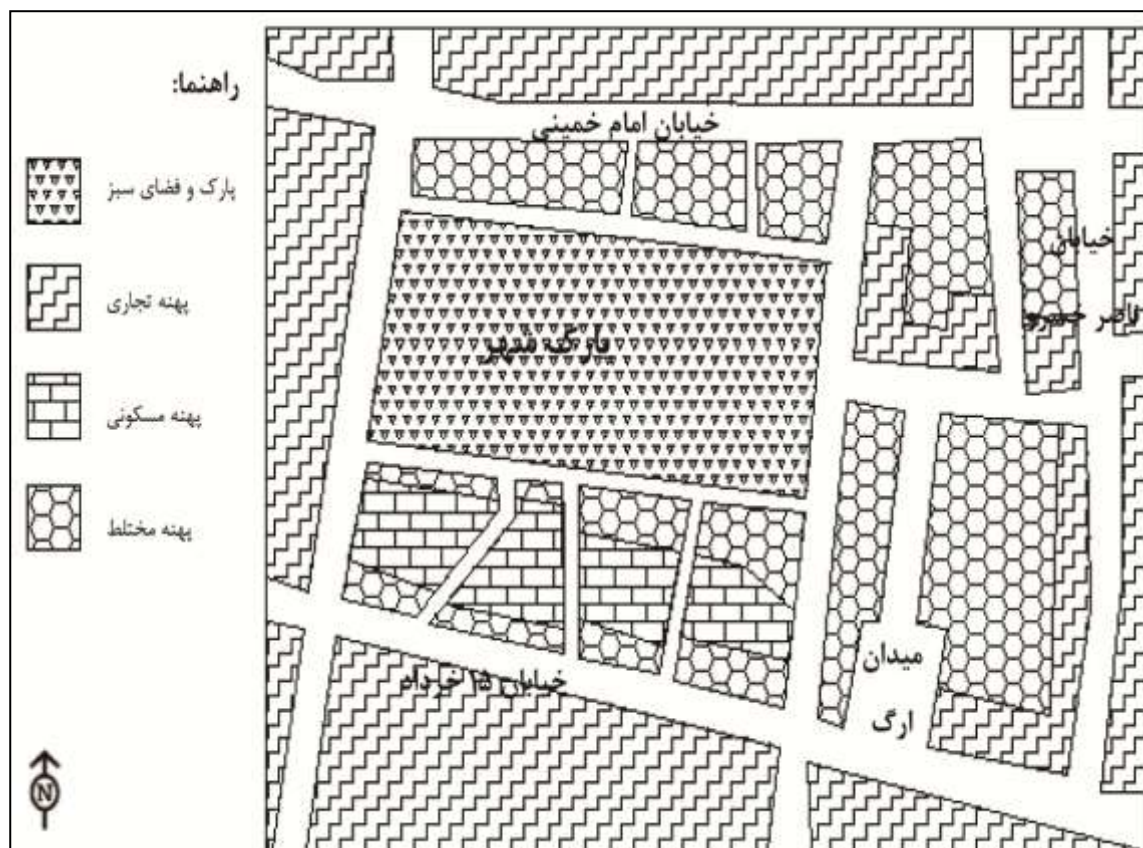
- بررسی میزان احساس امنیت زنان در فضاهای شهری مورد بررسی

محدوده مورد مطالعه بخشی از مرکز شهر تهران واقع در منطقه ۱۲ شهرداری می‌باشد که در حد فاصل خیابان‌های ناصرخسرو، امام خمینی، ۱۵ خرداد و خیام واقع شده است و دارای تنوعی از کاربری‌های مسکونی، تجاری، اداری، پارک شهر، شبکه معابر، انبارها می‌باشد. این بافت شهری به دلیل واقع شدن در مرکز شهر سرشار از تردد و فعالیت است. در این پژوهش ابتدا موقعیت کاربری‌های موجود در فضای مورد بررسی به تفکیک عملکرد غالب آن‌ها، پهنه‌بندی شده است که در شکل ۱ مشاهده می‌شود. البته جهت سهولت بررسی مکانی احساس امنیت زنان در مواجهه با کاربری‌های اصلی، این کاربری‌ها به صورت کلی تقسیم بندی شده‌اند، برای مثال کاربری انبار که بخش قابل توجهی از کاربری‌های این فضا است و درون بافت ذوب شده است در نقشه مذکور آورده نشده، اما طی پرسشی جداگانه، احساس امنیت شرکت کنندگان در تحقیق درباره این کاربری نیز سنجیده شده است.

۱. Reliability Analysis

۲. Alpha Coefficient

شکل ۱- پهنه بندی فیزیکی کاربری‌های فضای شهری مورد مطالعه.



همان طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود فضای شهری مورد مطالعه دارای کاربری‌های مختلط و متنوعی است. بعلاوه این که پهنه مختلط خود شامل کاربری‌ها و فعالیت‌هایی نظیر ساختمان‌های شهرداری مرکز، شورای شهر، دادگستری، پزشکی قانونی، تالار سنگلج، ورزشگاه، مدرسه و فعالیت‌های متنوع دیگر می‌باشد. البته کاربری‌های مذکور تنها بخش رسمی موجود در فضا می‌باشد، در حالی که بخش عمده‌ای از تعاملات اقتصادی و اجتماعی جاری در فضای مورد مطالعه را وجود فعالیت‌های غیر رسمی نظیر، دستفروشان، دارو فروشان، دلالان و بعضاً خلافکاران تشکیل می‌دهند که قابل مکانیابی بروی نقشه نیستند.

برای تحلیل میزان امنیت درک شده از فضا با استفاده از آزمون T-test میانگین احساس امنیت زنان در محدوده مطالعاتی محاسبه شد. در این بخش با توجه به ماهیت

فعالیت‌ها و خصیصه‌های مکانی، فضای شهری مورد بررسی، به بخش‌های با عملکرد غالب تجاری (خیابان باب همایون و ناصرخسرو)، بخش‌های با عملکرد مختلط (خیابان‌های امام خمینی و خیابان ۱۵ خرداد)، کارگاه‌ها و مراکز تولیدی که عموماً در لایه‌های پنهان تر محدوده قرار دارند و بخش مسکونی واقع در جنوب پارک شهر تفکیک شد. جدول ۱ میزان شاخص امنیت را به تفکیک محدوده‌های بررسی شده نشان می‌دهد. همان طور که در این جدول مشاهده می‌شود میزان متوسط امنیت در بخش مسکونی برابر با ۳.۰۹ و پارک شهر ۳.۰۳ و متوسط می‌باشد و امنیت در بخش‌های تجاری و مختلط کم و در بخش کارگاه‌های و لایه‌های پشتی معابر بسیار کم می‌باشد و در واقع بر پایه نتایج می‌توان اظهار داشت که بالاترین میزان احساس امنیت مربوط به بخش مسکونی و سپس پارک شهر است. علل مختلفی برای این مساله می‌توان ارائه داد که بر پایه تنوع جنسی گروه‌های مصرف کننده از فضا و غلبه کارکردهای مسلط آن قرار دارد، توجه به نظارت پذیر بودن در محدوده‌های عمومی تر و از طرفی وجود فعالیت‌های اجتماعی نظیر کتابخانه و مراکز عمومی بی تأثیر نمی‌باشد. همچنین بر اساس بررسی‌های انجام شده، روابط معناداری بین متغیرهای سنجیده شده وجود دارد ($\text{sig} < 0.05$).

جدول ۱ میانگین احساس امنیت زنان به تفکیک زیرپهنه‌ها در محدوده.

میانگین امنیت	محدوده‌های مکانی مورد بررسی
۳/۰۳۶۷	پارک شهر
۲/۱۹۳۳	بخش‌های با عملکرد غالب تجاری (خیابان باب همایون و ناصرخسرو)
۲/۴۳۳۳	بخش‌های با عملکرد مختلط (خیابان‌های امام خمینی و خیابان ۱۵ خرداد)
۱/۹۲۶۷	کارگاه‌ها و تولیدی‌ها در لایه‌های پشتی
۳/۰۹۴۲	بخش مسکونی

اثبات فرضیه اصلی پژوهش

همان طور که در بخش روش پژوهش بیان شد، فرضیه اصلی تحقیق عبارت است از : "به نظر می‌رسد بین میزان تنوع کاربری‌ها و فعالیت‌های شهری در فضای عمومی محدوده مطالعاتی با افزایش میزان امنیت زنان رابطه‌ای مستقیم وجود دارد".

لذا در این قسمت رابطه بین کاهش و افزایش میزان تنوع کاربری‌ها و فعالیت‌های محدوده مطالعاتی با امنیت زنان سنجیده شده است. همان طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، آزمون خی دو نشان دهنده معناداری رابطه این دو متغیر با یکدیگر می‌باشد (sig کوچک تر از ۰.۰۵).

جدول ۲ آزمون خی برای بررسی معناداری رابطه متغیرهای فرضیه اول.

Asymp. Sig. (۲-sided)	df	Value	
.۰۰۲	۱	۳۰.۸۷۸(a)	Pearson Chi-Square
	۲		
.۰۰۱	۱	۳۳.۶۵۸	Likelihood Ratio
	۲		
.۸۷۶	۱	.۰۲۴	Linear-by-Linear Association
		۲۶۴	N of Valid Cases

در مرحله بعد با استفاده از روش همبستگی گامای این دو متغیر، که بیان کننده شدت تاثیر آنهاست، محاسبه شده است که برابر با ۰.۶۸ می‌باشد و نشان دهنده شدت خوب و مستقیم بین این دو متغیر است. لذا با توجه به موارد بالا می‌توان گفت فرضیه اول با دقت بالایی اثبات می‌شود و بین میزان تنوع کاربری‌ها و فعالیت‌های شهری در فضای عمومی محدوده مطالعاتی، با افزایش میزان امنیت زنان، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد.

همان گونه که در بخش مبانی آمده است، تنوع کاربری‌ها و فعالیت‌های موجود در فضا، دو عامل تاثیر گذار بر احساس امنیت زنان در فضاهای عمومی شهری می‌باشند. در این بخش با استفاده از آزمون بتای دو متغیر مطرح شده در بالا، توسط سوالاتی جداگانه

برای میزان و تاثیر تنوع کاربری‌ها و سنجش تنوع فعالیت‌ها در فضای عمومی مورد بررسی قرار گرفته، مطابق با جدول ۳ و بر اساس میزان اهمیت شان مقایسه شده‌اند.

جدول ۳ مقایسه میزان اهمیت تنوع کاربری‌ها و تنوع فعالیت‌های انجام گرفته در محدوده.

Sig.	t	ضرایب استاندارد نشده ^۱			
		Beta	Std. Error		
۰.۰۰۰	-۱۴.۳۳۹		۰.۰۶۳	-۰.۹۰۴	(Constant)
۰.۰۰۰	۳۹.۱۰۸	۰.۵۳۰	۰.۰۱۵	۰.۵۸۰	تنوع کاربری‌ها
۰.۰۰۰	۵۳.۸۳۸	۰.۷۲۹	۰.۰۱۲	۰.۶۴۳	تنوع فعالیت‌ها در فضای عمومی

همان طور که مشاهده می‌شود هر یک از این متغیرها با میزان امنیت کلی زنان در محدوده مطالعاتی رابطه معنا داری دارند، زیرا sig کمتر از ۰.۰۵ دارند. همچنین بتای متغیر تنوع کاربری‌ها برابر با ۰.۵۳ بوده و بتای متغیر تنوع فعالیت‌ها در فضای عمومی برابر با ۰.۷۲ می‌باشد که نشان می‌دهد تنوع فعالیت‌ها نسبت به تنوع کاربری‌ها در افزایش احساس امنیت، از اهمیت بیشتری برخوردار است. البته کاربری‌های شهری متنوع معمولاً بستر ایجاد فعالیت‌های متنوع خواهند بود، اما در اینجا توجه به ایجاد فضاهای شهری فعال در فضاهای عمومی و باز می‌باشد.

- تبیین نتایج تاثیر کاربری‌ها بر احساس امنیت

به طور کلی بر اساس نتایجی که در بخش سنجش احساس امنیت زنان در مواجهه با پهنه‌های فعالیت و کاربری‌های متنوع به دست آمد می‌توان گفت، بافت مسکونی به علت حضور فعال سایر زنان، کودکان، آشنا بودن و احساس تعلق به مکان^۳ برای زنان بومی و

۱. Unstandardized Coefficients

۲. Standardized HCoefficients

۳. Sence of place

غریبه موجود در منطقه مسکونی، احساس امنیت بیشتری ایجاد می‌کند. بعلاوه این که مساله حریم و نظارت ساکنان بر حضور عابران در این بخش بسیار قوی تر از سایر فضاهای شهری است و در قطب مخالف آن کارگاه‌ها و مراکز تولیدی که در لایه‌های پشتی معابر واقع شده‌اند و مراکز تجاری با عملکرد خاص که مخاطب عموم (بویژه زنان) نیستند، نه تنها تحت نظارت نیستند بلکه احساس بیگانگی و ترس ایجاد خواهند کرد و طبعاً نباید در مرکز شهر و محل پر ترددی نظیر محدوده مورد مطالعه قرار گیرند.

در این راستا نتایج مصاحبه‌های صورت گرفته با شرکت کنندگان در تحقیق نکات جالبی را در مورد تاثیرگذاری کاربری‌ها و فعالیت‌ها بر احساس امنیت زنان نشان می‌دهد، برای مثال: "بانک‌ها به دلیل داشتن مامور و تحت کنترل بودن، موجب افزایش امنیت محیط اطرافشان می‌شوند و در این محدوده هم بانک‌های زیادی وجود دارد". (۲۱ بانک در محدوده هستند)، همچنین در مورد عملکرد اداری - حکومتی محدوده مطالعاتی، عده ای از شرکت کنندگان در تحقیق معتقد بودند که "اداره‌های این محدوده بسیار حساس هستند و به همین دلیل این فضا به صورت ویژه تحت کنترل است و این موضوع امنیت محیط را افزایش خواهد داد". همچنین عده زیادی از شرکت کنندگان "وجود مساجد و اماکن مذهبی (مثل تکایا و امامزاده و...) را عاملی در جهت افزایش احساس امنیت عابران می‌دانستند". در مورد دسترسی به امداد، اغلب مصاحبه شوندگان نمی‌دانستند که امدادی وجود دارد یا نه. این درحالیست که در محوطه پارک کنترل از طریق دوربین مدار بسته و پایگاه پلیس وجود دارد و این امر نشان دهنده عدم اطلاع رسانی کامل در مورد تحت کنترل بودن محیط می‌باشد، همچنین در این باره اغلب شرکت کنندگان تنها راه دسترسی به امداد را استفاده از تلفن می‌دانستند.

- تحلیل نتایج حاصل از شاخص‌های بررسی شده

در این قسمت تاثیرگذاری شاخص‌های مؤثر در برنامه ریزی کالبدی و احساس امنیت زنان در فضای مورد بررسی سنجیده شده‌اند که نتایج آن به شرح ذیل می‌باشد:

الف- پویایی و فعال بودن جمعیت : تراکم جمعیت مراجعه کننده به محدوده

مطالعاتی در طول روز بسیار بالا و در شب با افت ناگهانی روبرو است. اما به طور کلی احساس امنیت ناشی از شلوغی جمعیت در محدوده مطالعاتی در سطح بالایی قرار دارد (میانگین ۳.۳). اما شلوغی جمعیت محدوده مطالعاتی در طول روز می‌تواند تاثیر مثبت و یا منفی داشته باشد و همانطور که ذکر شده، جمعیت بلا تکلیف (و بعضاً مزاحم) در ایجاد و حفظ امنیت تاثیر منفی، و جمعیت پویا تاثیر مثبت خواهد داشت. نتایج آماری گویای این مطلب است که در محدوده مطالعاتی جمعیت بلا تکلیف و مزاحم بسیار بالایی (میانگین ۴.۲) حضور دارند. یکی از دلایل این امر می‌تواند حضور مسافران زیادی که به دلیل وجود مسافرخانه‌های موجود در محدوده مطالعاتی و عموماً در جستجوی کار به این محدوده می‌آیند، باشد. بخصوص این مساله در محوطه پارک بسیار مشهود است. در بُعد جمعیت استفاده کننده از فضا در شب نیز به دلیل اهمیت خاص آن، به طور جداگانه بررسی می‌شود. همچنین از آنجایی که مشارکت پذیری در فعالیت‌های فضا موجب فعال شدن فضا و افزایش حس تعلق فرد گردیده و احساس بیگانگی و اضطراب ناشی از آن را از بین می‌برد، طی سوالی جداگانه احساس مشارکت پذیری فضا سنجیده شد که بررسی نتایج نشان می‌دهد میزان تمایل به مشارکت زنان در فعالیت‌های فضا، در سطح متوسطی قرار دارد (میانگین ۳.۱).

ب- آشنا بودن فضا و ایجاد خاطره مثبت : همان طور که ذکر شد آشنا بودن

فضا و نداشتن حس غربت (که موجب ترس و اضطراب می‌شود)، در تقویت احساس امنیت ذهنی فرد نقش مهمی دارد، بعلاوه زمینه ذهنی مثبت و یا منفی بیاد مانده از فضا می‌تواند در احساس کلی درک شده نسبت به فضا تاثیر گذار باشد. لذا در اینجا میزان آشنا بودن فضا و خاطره و پیش زمینه ذهنی فرد نسبت به محیط بررسی شده است. تحلیل نتایج آماری نشان می‌دهد این فضا برای آنان بسیار آشنا بوده (میانگین: ۴) و خاطرات عموماً مثبتی ایجاد کرده است (میانگین ۳.۸). آشنا بودن فضای محدوده مطالعاتی می‌تواند به دلیل فضای تاریخی و سنتی آن باشد، که یکی از امتیازهای محدوده محسوب می‌شود.

ج- خوانایی محیط: در مصاحبه‌های صورت گرفته اغلب افراد محیط را خوانا و

سرشار از نشانه‌هایی برای پیدا کردن مسیرها دانستند، وجود تعداد زیادی از بناهای شاخص و با ارزش در محدوده مطالعاتی یکی از علل اصلی این امر می‌باشد. همچنین بر اساس نتایج آماری حاصل از پرسشنامه، عموماً احتمال گم کردن مسیرها و در نتیجه اضطراب ناشی از گیج شدن در مسیرها را بسیار پایین دانسته‌اند (میانگین: ۱.۷).

د- میزان نظارت طبیعی بر فضا (چشم‌های خیابان): این نظارت در قالب

چشم‌های خیابان (پنجره‌ها)، حضور فعال عابران و مراقبت آن‌ها از فضا انجام می‌گیرد. اما بر اساس نتایج حاصل شده، میزان نظارت عمومی بر فضا از دید شرکت کننده گان در تحقیق در سطح پایینی قرار دارد (میانگین ۲.۳) و این عدم اطمینان آنان را به نظارت طبیعی در محیط نشان می‌دهد.

ه- دسترسی به امداد: بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته، تعداد زیادی از

مراجعین از نوع امداد در محدوده مطالعاتی ابراز بی‌اطلاعی می‌کردند و با توجه به اینکه

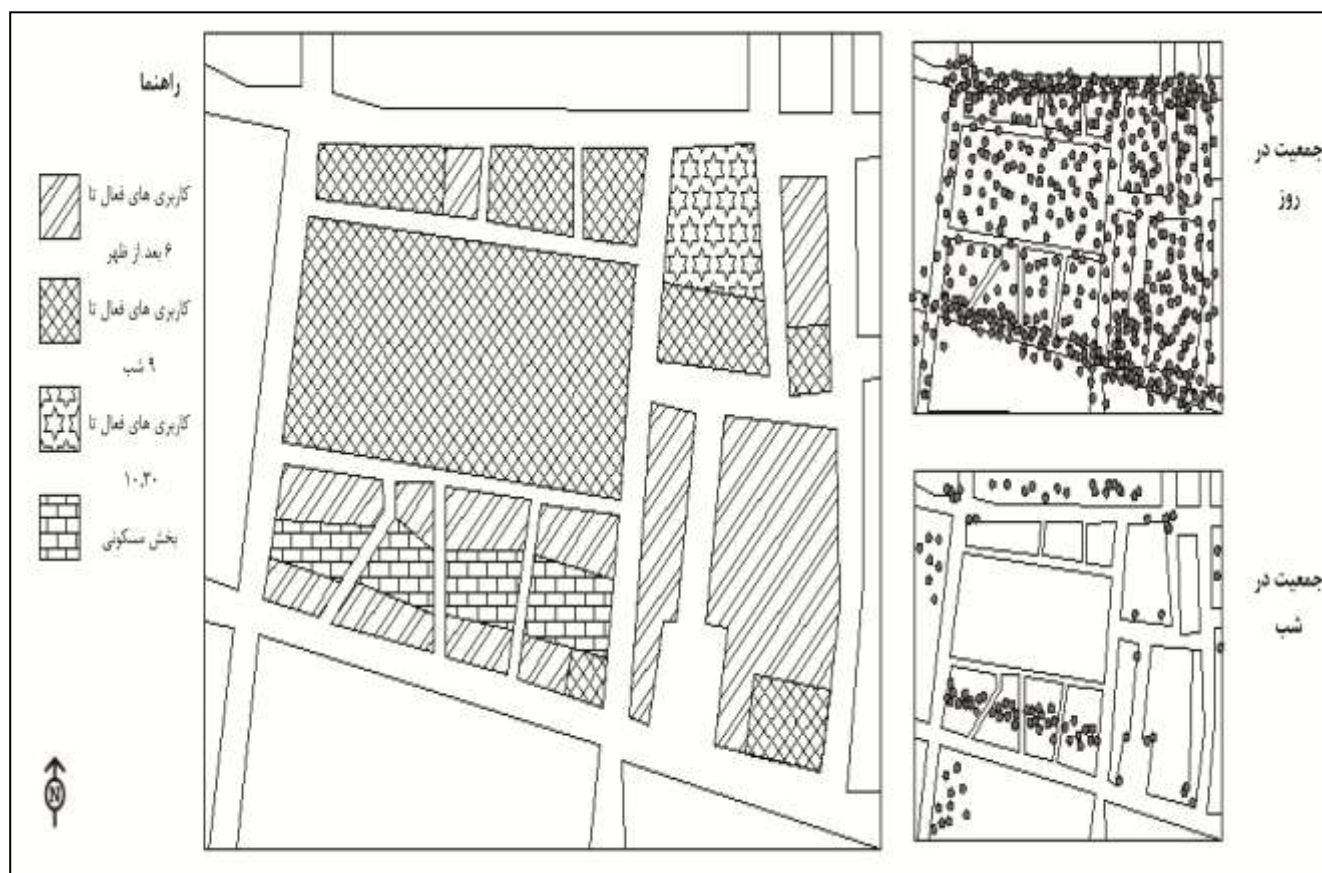
نظارت عمومی بر محیط را ضعیف می‌دانستند، در صورت بروز خطر، فضا را بسیار نا امن پیش بینی می‌کردند و اغلب تنها ابزار امداد رسانی را استفاده از تلفن شخصی می‌دانستند و با وجود کنترل محدوده مطالعاتی توسط مراکز نیروی انتظامی و دوربین مدار بسته در محوطه پارک (اغلب از این کنترل بی‌خبر بودند)، میزان دسترسی به امداد در سطح پایینی ارزیابی شده است (میانگین ۲.۵).

- بررسی میزان امنیت شبانه بانوان در فضا

برای اینکه زنان در فضاهای شهری بخصوص بعد از تاریکی هوا، احساس امنیت کنند، باید بتوانند محیط را برای خودشان ترجمه و تفسیر کنند و بدانند که چه چیزی در مقابل آن‌ها قرار دارد و چگونه یک فضا را ترک کنند و اگر لازم بود چگونه کمک پیدا کنند. (Bell, ۱۹۹۸: p. ۶).

منطقه مورد مطالعه در شب بطور ناگهانی جمعیت خود را از دست می‌دهد که البته این از ویژگی‌های خاص مراکز شهری است. زیرا مراکز شهری نسبتاً فاقد سکنه بوده و در روز مقصد سفرها و در شب با تعطیلی کاربری‌ها و فعالیت‌هایشان ناگهان متروک می‌شوند. نتایج نشان می‌دهد که میزان عبور بانوان از محدوده مطالعاتی در شب بسیار کم (میانگین ۲.۱) و میزان احساس نا امنی در شب نسبتاً بالا می‌باشد (میانگین ۳.۶). شکل ۲ میزان حیات کاربری‌های فضای مورد بررسی را به تفکیک ساعات شب و همچنین تفاوت تراکم جمعیتی استفاده کننده از فضا را در ساعات روشن و پس از تاریکی هوا نشان می‌دهد.

شکل ۲ مقایسه میزان حیات شبانه کاربری‌ها و تفاوت تراکم جمعیتی فضا در ساعات شبانه روز.



مقایسه جمعیت موجود در شب و نقشه کاربری‌های فعال در شب (شکل ۲) نشان دهنده آن است که تقریباً تنها بخش زنده محیط در شب، همان کاربری مسکونی. و در مرحله بعد جمعیت محدودی در کنار شبکه‌های اصلی ارتباطی بوده و بافت درونی فضا کاملاً متروک و تعطیل می‌شود. و این مساله می‌تواند دلیلی بر اجتناب مضاعف زنان از چنین فضای خلوتی باشد. لذا با خلق فضاهایی که دارای حیات شبانه بوده و روشنایی و نظارت شبانه معابر را تامین می‌کنند، می‌توان ضریب امنیت شبانه فضاها را برای زنان، کودکان و سالمندان... افزایش داد.

جمع بندی و نتیجه گیری

امنیت فضاهای شهری نقش ویژه‌ای در ارتقاء سطح رفاه اجتماعی شهروندان دارد. در این بین زنان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر در مقابل اثرات نا امنی شهری محسوب می‌شوند، که در مواجهه با نا امنی رفتارهای کناره گیرانه نشان می‌دهند. بر این اساس برنامه‌ریزی برای ارتقاء امنیت زنان در طراحی فضاهای عمومی شهری اهمیت ویژه‌ای دارد. امنیت یک فضا تحت تاثیر کاربری‌ها و فعالیت‌های در برگیرنده آن است. نتایج مطالعات نظری و میدانی این مقاله نشان می‌دهد که فضاهای شهری که دارای کاربری‌ها و فعالیت‌های متنوع هستند، دارای امنیت بیشتری هستند و در این بین بخش‌های مسکونی از بالاترین امنیت برای زنان برخوردارند.

بر اساس مجموع مطالعات تجارب جهانی بررسی شده می‌توان گفت پویا و فعال بودن فضا، میزان آشنایی، خوانایی و نظارت بر فضا و دسترسی داشتن به امداد از جمله شاخص‌های اصلی مؤثر در برنامه ریزی کالبدی جهت ارتقاء امنیت زنان در فضاهای شهری هستند. لذا بالاتر بودن ضریب احساس امنیت سنجیده شده در مطالعات میدانی در بخش مسکونی نیز می‌تواند به دلیل افزایش میزان آشنایی، خوانایی، نظارت و دسترسی به امداد در محیط مسکونی باز گردد و به طور مشابه با انتقال این شاخص‌ها به هر فضای عمومی شهری، امنیت فضا ارتقاء خواهد یافت. همچنین بخش عمده‌ای از مشکلات نا امنی زنان در فضاهای عمومی شهری به زمان‌های پس از تاریک شدن هوا باز می‌گردد. که نتایج مطالعات نشان داده است با افزایش رونق و حیات شبانه از طریق کاربری‌ها و فعالیت‌های دایر در شب و روشنایی و نظارت ناشی از آنها، عابران بیشتری در فضا حضور خواهند داشت و موجب ارتقاء امنیت خواهد شد.

به علاوه وجود بافت مسکونی در مراکز شهری، علاوه بر حفظ آشنایی و نظارت بیشتر بر فضا، حیات شبانه محیط پیرامون خود را نیز حفظ خواهد کرد. همانطور که در بخش مطالعات میدانی نیز در قالب نقشه‌ای مشاهده شد، تنها بخش زنده شهر در شب همان پهنه مسکونی محدوده مطالعاتی بود. پس می‌توان گفت جمعیت بخش مسکونی در مرکز شهر نقش مؤثری در ارتقاء امنیت زنان دارند. همچنین در فرآیند برنامه‌ریزی کاربری و فعالیت‌های شهری، باید سعی شود کاربری‌های مختلط که دارای بخش‌های اداری دولتی، بانک‌ها و نظایر آن که امنیت خود را به محیط اطراف تزریق می‌کنند، استفاده نموده و از توزیع بیش از حد کاربری‌های تجاری با عملکردهای تخصصی (عمده فروشی‌ها، کارگاه‌ها و تولیدی‌ها، گاراژها و ...) در مراکز شهری جلوگیری شود و حتی الامکان در صورت وجود، با کاربری‌های مخاطب عموم جایگزین شوند. در این راستا برخی از پیشنهادات کلی مرتبط با شاخص‌های بررسی شده عبارتند از:

- حفظ تنوع کاربری‌های فضا و در صورت لزوم تغییر یا تبدیل کاربری‌های محیط نظیر: تبدیل کلیه انبارها به کاربری مسکونی و احیای مجدد بافت‌های راکد و منفعل، افزایش کاربری‌های با عملکرد فرهنگی جهت تغییر جو اجتماعی محیط.

- حفظ حیات شبانه محیط به کمک ایجاد کاربری‌های فعال در شب. این کاربری‌ها ترجیحاً باید جاذب مخاطبین به صورت خانوادگی باشند تا موجب چیرگی فضا توسط جوانان و گروه‌های خاص نشوند. همچنین ایجاد کاربری‌های تجاری دارای خدمات پذیرایی (نظیر رستوران‌ها، فروشگاه‌ها) دایر در شب برای تشویق عابران به پیاده روی و حفظ امنیت و روشنایی شبانه مؤثر خواهد بود.

- تدابیری برای افزایش دسترسی به امداد نظیر افزودن بر تعداد تلفن‌های عمومی محدوده مطالعاتی و همچنین نورپردازی و تجهیز آن‌ها به کد و دکمه امداد فوری.
- بهبود سیمای شهری به کمک حفاظت فعال، اجرای طرح‌های بهسازی و همچنین حذف دیوار نوشته‌ها و آلودگی‌های بصری موجود در فضا و استفاده از عناصر الحاقی آشنا برای مردم برای افزودن بر ضریب آشنایی فضا و جلوگیری از به وجود آمدن احساس غربت، اضطراب و ترس ناشی از آن.
- جلوگیری از رکود، و رواج فعالیت‌های موجود در فضاهای عمومی شهری با تدابیری نظیر استفاده از ورزش، تئاتر و رستوران‌ها یا غرفه‌های فروش خیابانی، با رعایت اصول حفظ آسایش عابران.
- افزایش نظارت طبیعی بر فضا، با استفاده از کاربری‌های با نماهای فعال رو به خیابان و هشدارهای نمادین جهت تحت کنترل بودن فضا.
- طراحی فضاهای خوانا و قابل تشخیص و استفاده از علائم و نشانه‌هایی جهت مسیر یابی و جلوگیری از احساس گیج شدن و ترس از گم شدن و نا امنی ناشی از آن.

منابع

- انجمن شهرسازی امریکا. «مکان‌ها و مکان‌سازی، استانداردهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری»، ترجمه: اعتماد، گیتی / بهزادفر، مصطفی / صالحی میلانی، ساسان / تهران، انتشارات جامعه مهندسان مشاور ایران، جلد چهارم، ۱۳۸۷.

- پاپلی یزدی، محمد حسین؛ رجبی سناجردی، حسین. نظریه‌های شهر و پیرامون، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
- زنجانی زاده اعزازی، هما. زنان و امنیت شهری، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۳۴، ۱۳۸۱.
- خاکی، غلامرضا. روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات علمی کشور، ۱۳۷۸.
- طالب، مهدی. چگونگی انجام مطالعات اجتماعی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰.
- ضابطیان، الهام. شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقاء امنیت زنان در محیط شهری (نمونه موردی مطالعه: محدوده جنوبی خیابان امام خمینی حد فاصل خیابان ناصر خسرو تا وحدت اسلامی)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۷.
- مامفورد، لوییز. فرهنگ شهرها، ترجمه: اقوامی مقدم، عارف، تهران، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۵.
- هال، پیتر؛ فایفر، اولریخ. آینده شهری قرن ۲۱، ترجمه: صادقی، اسماعیل و صفایی، ناهید، تهران، انتشارات جامعه مهندسان مشاور ایران، ۱۳۸۷.

- Boyle, Julie & Dr Findlay, Catherine and Forsyth, Leslie (۲۰۰۱): “An Investigation into Women’s Perceptions of Fear and the Design of the Urban Environment”, Open space, London, Edinburgh College of Art, School of Architecture, Tourism Management.

- Brady, Martha (۲۰۰۵): “ **Safe Spaces for Adolescent Girls** ”, Population Council. www.beverley.gov.uk.
- Bell, Wendy(۱۹۹۸): “ **Women and Commiunity Safety** ”, Bell Planning Associates South Australia, NO ۳۲.
- Brownlow ,Alec,”**A geography of men_s fear, Department of Geography and Urban Studies**”, Temple University, Philadelphia, PA ۱۹۱۲۲, Geoforum ۳۶, www.elsevier.com/locate/geoforum, ۲۰۰۵.
- Burton, Elizabeth and Mitchell Lynne (۲۰۰۶): “**Inclusive Urban Design,Streets for Life**”, Architectural Press, First edition, UK.
- H. Russ, Thomas: “**SAFE CITY STRATEGY**”, Site Planing And Design Handbook, New York, Graw-Hill Companies,November ۲۰۰۶,
- Howard, John (۱۹۹۹) :”**FEAR OF CRIME**”, Society Of Alberta, www.elsevier.com.
- “Making Safer Places, **Women’s Safety in our Cities**, National Conference, Conference Report,London , ۱۸th November ۲۰۰۵.
- John M. Lubuva and Anna Mtani (۲۰۰۴): “**Urban Space and Security: A Case of the Dar es Salaam** “ ,Safety Audits for Women, Dar es Salaam, Tanzania, P ۱۳-۱۷.
- Koskela a, Hille, Pain b, Rachel (۱۹۹۹): “**Revisiting fear and place: women's fear of attack and the built Environment**”, a Department of Geography, University of Helsinki, Helsinki, UK, Finland b Division of Geography and Environmental Management, University of Northumbria at Newcastle.

- Monahan, Torin: **“Surveillance and Security, Technological Politics And Power In Every day Life”**, New York-London, Taylor & Francis Group, ۲۰۰۶.

- S Tiesdell (۱۹۹۸): **“Fear and Gender in Public Space, City center management and safer city centers: approaches in Coventry and Nottingham”**, university Nottingham, institute of urban planning ,school of built environment, pergamon, uk.

- **“Safety and Safety Promotion : Conceptual and Operational Aspects”**, World Health Organisation, Centre on Community Safety Promotion, Karolinska Institutet, Sweden, September ۱۹۹۸.

- www.dacorum.gov.uk, ۲۰۰۴.

- www.pps.org, ۲۰۰۶.

